

## تغییر لباس

ابدا بخاطر ندارم که در تمام دوره زندگانی گذشته خود - از وقتیکه قدم در حیات اجتماعی گذاشته و خود را شناخته ام - چیزی موجب جزائی فرح و انبساط - بشاشت و خرمی واقعی من شده باشد آری باور کنید که همینطور بوده و اغراق نیست من هرگز قلب فرح ناک و روح شاد در خود ندیده ام ! هیچ منظره هر قدر جذاب و فریبنده بوده ممکن نشده اندکی مرا جلب نموده بطور موقت هر که باشد دل مرا ربوده لحظه مشغوف نماید - زیرا آنچه دیگران در آن مشاهده کرده بسبب خوشی پنداشته اند من بعکس ، همان را موجب غم و اندوه - و حزن و الم تشخیص داده ام - چه باید کرد این است خلقت عجیب من - آیا شما غربتر از این خلقتی سراغ دارید که از :

نغمات دلفریب موسیقی - آهنگ مرغ شب آویز - صدای آبشار نوای بلبل - زمزمه مرغ سحر - آوای باد - غرش رعد - هیاهوی طوفان و یا سکوت شب - بهت مهتاب - آرامش فضا - سکون نباتات همه و همه خسته شده و مغموم شود ؟! گمان میکنم نه شما و نه هیچ فردی سراغ نداشته باشد .

شما از دیدن يك پرده نقاشی چه قدر متحیر شده به نقاش آن تحسین گفته ب مهارت او آفرین میفرستید ! اما من رموزی که در آن مشاهده میکنم فوراً قلبم را فشرده گوئی که هر سر موئی از قلم او تیری بوده که باعصاب من فرو رفته نازک کاریهای خیال درونی خود را در صفحه دل من ترسیم نموده است . . . . .

خواهند گفت که این است مفهوم تنازع بها و مصداق آکل و ماکول افکار کوچک و قلبهای ضعیف متوجه اینگونه تخیلات و پاست اینقسم موهومات است . تمام حیثیات . وجدان وطن . مملکت فدای یکساعت

عیش شبانه تجریش و قلمک وجودان جز حرفی موهوم نبوده و تازیر  
پالگد کوب نشود ، سعادت تحصیل نخواهد شد

ولی من تا آخرین دقیقه که بمحل کار رسیده‌ویا در خانه بخواب  
گاه میروم سامعه ام مرتعش و قلبم متوحش است - فریادو التماس  
گدا های طول راه که در هر ده قدم فاصله با زن و بچه نشسته و  
آهنگشان متصلا بگوش میرسد - هرگز فراموش نمیشود آیا ممکن  
است فراموش کرد در صورتی که روزی چهار مرتبه راه غم و اندوه  
را باید طی نمود !

صیقل و صنای کزار تازه باغ ملی میتواند این زنك کهنه را از دل  
من بزدايد !

یا اصلاحات معارف کنونی با این اوضاع به آتیه روشنی امید  
وار نماید ؟ ! بلکه خیر این‌ها هم درد بالای درد و قوز بالا  
قوز است .

بهر حجة یا من غیر از عبوسی در طبیعت چیزی ندیده‌ویا طبیعت  
غیر از عبوسی و وحشت اضطراب چیزی دیگر نیست  
اما این قلب بد بین یا این دل آهین که تاکنون هیچیک از  
عوالم ظاهری طبیعت نتوانسته قاب ماهیتش را عهده دار شود - نه پرده  
های سازه حنجره آواز نه منظره روح نواز و باغ و راغ تکانی با عصاب آن داده امروز در  
اثر گفتگو و مجاوره و طفل بشنیدن يك کلمه بجهش و حرکت بشاشت آمیزی در  
آمده که مزیدی بر آن متصور نیست .

حرفی است خای ساده وای سالها و بلکه قرن‌ها می‌گذشت که از  
کمتر پیری شنیده نمیشد - آن کلمه ساده بر معنی که بر سر زبان  
هر کودک شیر خوار زایست و هر کس بدان تکلم مینماید حاکی از اصلاحات و  
و حاوی سعادت و خوشبختی آینده است ، کلمه پهلوی است

آیا کلمه پهلوی و پهلوی را شما تا چند سال از کسی می‌شنیدید و  
یاد در صدد تحقیق آن بر می‌آمدید که از کجا و بکه مربوط است ؟ !

هیچ میدانستید که این کلمه منحصر و مخصوص ایرانی و یکی از السنه ما بوده که اجداد و نیاکان ما بدان متکلم بوده اند ؟ هرگز نه شما و بلکه بیشتر مردم پاره از شهرها و کوهستانهاییکه بدان تکلم مینمودند اسم آنرا ندانسته فراموش شده بود

طفلی که با رفیق خود از کلاه پهلوی صحبت کرده اسم پهلوی در زبانش جریان دارد ساده و بیچکا نه نباید پنداشت . کلمه ایست که قرنها در زیر چکمه بیرحمانه اقوام مختلفه اجنبی از قییل ، مغولها ، تاتارها . لکد کوب و محو و معدوم شده ، هزاران طوائف و دستهای خودی بیکانه پرست و کاسه های از آتش گرمتر آن را بطاق نیسان و فراموشی انداخته بودند اینحرف کلاه نیست . تاجی است که دست طبیعت پس از قرنها مجددا سر ایرانی بدان مفتخر داشته . هر ایرانی واقعی وطن پرست و علاقه مند ببازگشت افتخارات تاریخی خود باید این نام را بجان خریداری کرده از حیث صورت و معنی ظاهر و باطن خود را بدان مجلس کرده و آرایش دهد

وحدت ملی - توحید فکری که پیوسته بواسطه اختلاف لباس دستخوش تعویق و در ردیف محالات بشمار میرفت و همواره مورد سوء استفاده عمر و وزید ، داخلی و خارجی بود ققط و ققط در پرتو متحد الشكل بودن و در سایه متحد الفکر شدن ممکن است عملی گردد :

امروز باید عموم ایرانیان از پیران مجرب و جوانان مہذب خوب چشم خود را باز کرده اوضاع دنیا و همسایگان را در نظر گرفته بدون هیچ ترس و بیمی دامن همت بکمرزده گوش فرادارند و قدم قدم دنبال افکار عالیہ یگانه فرزند توانای واتنی ایران و نابعه ایرانی رفته تاجبران مافات گردد .

آنچیزیکه مانع معاشرت طبقات مختلفه مردم از کاسب و کارگر - مستخدم و داش ، آخوند و سید و غیره و غیره همه ایرانی اند بوده و هستند و هر کدام از طرز زندگانی . عادات . حرکات عقیده مختلف و متشتت

میزبستند فقط و فقط امروز در پرتو متحدالشکل شدن میتوان با اتحاد تام صوری و معنوی امید وار بود . دیگر دشمنی عناد بد بینی های طایقات یکدیگر مرتفع خواهند گردید . قطعاً اگر اختلاف لباس و نبودن کلاه و تباین عقیده در ظرف اینمدت تا کنون برای ما و مملکت مانتیجه داشت امروز روز ما اینطور نبود

ترکمانی چرامال خراسانی و خراسانی چرا خون ترکمانی را مباح میداند قشقائی با بختیاری - بختیاری با شاهسون برای چه دشمنند

کلاه نمدی با قجری قجری - با بیضی - بیضی با عمامه ای عمامه ای همه نگاه غضب آلود بهمیدگر میزند - ایا جز بواسطه اختلاف لباس است پس من اینکار و اقدام را اولین قدم اصلاحی و بلکه با هزار دلیل علاج منحصر بفرد دانسته و امید وارم با جدیت و علاقه تام هیئت محترم دوات و افراد ملت و وکلای مجلس از نظر قانونی بالاخص وزارت معارف ! هر چه زودتر بدون استثناء عمومی و عمای گردد - بدینی است باید خشنود شده قلبی که بر اثر حزن و اندوه هزار ساله بالورانه سیاه و محزون بود امروز لکه سفیدی در آن نمایان و شاید کم کم قلب ماهیت و بسفیدی تام منجر گردد

مهر ۱۳۰۷ م شیوا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی